

## زمینه‌سازی معصومان برای پذیرش غیبت امام زمان علیه السلام

عبدالهادی مسعودی<sup>۱</sup>

### مقدمه

حضور همواره حاکم اسلامی، و اعتقاد شیعیان به وجود ضروری و همیشگی امام، این انتظار را پدید آورد که امام و ولی امر جامعه، همیشه حاضر و ظاهر است؛ اما پیامبر و ائمه علیهم السلام می‌دانستند که دگردیسی جامعه اسلامی و فشارهای روز افزون بر اهل بیت علیهم السلام آنان را ناگزیر از پنهان شدن و سکوت و خاموشی می‌کند. این روند تا آنجا که به حبس و محاصره و احضار به پایتخت ختم می‌شد، مشکل جدی و یا دست کم شبهه اعتقادی و خلل در باورها را موجب نمی‌شد، اما اگر به غیبت کلی و عدم حضور امام در عرصه اجتماعی منتهی می‌شد، می‌توانست اندیشه ضرورت وجودی امام را زیر سؤال برد. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان، آگاهی، بشارت و هشدارهایی را به جامعه اسلامی ارائه دادند و دانشمندان، راویان و مؤلفان، نیز آنها را گرد آورده و عرضه کردند. امامان متأخر ما افزون بر این آگاهی‌ها اقدامات عملی گوناگونی را به انجام رساندند تا شیعیان برای پذیرش امام غائب و چگونگی گذار از دوران سخت غیبت، آماده شوند. از این رو ابتدا به اقدامات علمی و سپس به اقدامات عملی اشاره می‌کنیم.

### الف - اقدامات علمی: «آگاهی بخشی و هشدار»

معصومان علیهم السلام آگاهی‌های گوناگون و همه جانبه‌ای را در اختیار پیروان خود نهادند تا تحمل شیعیان را در برابر فقدان امام خود افزایش دهند. این آگاهی‌بخشی گسترده در قالب‌های گوناگونی صورت گرفته و تقریباً از سوی همه معصومان علیهم السلام واقع گشته است. این تلاش‌ها و زمینه‌سازی‌ها را می‌توان در سه بخش: آگاهی‌های نخستین و مقدماتی، توصیف و بیان ویژگی‌های روزگار غیبت، و پیشگویی آسیب‌ها و سختی‌های دوران غیبت امام دسته بندی کرد.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده علوم حدیث

## ۱. آگاهی‌های پیشین و نخستین

معصومان از آغازین روزهای شکل‌گیری امامت و حتی اندکی پیش از آن در کنار تبیین ضرورت وجود امام، دو گونه حضور او را در جامعه انسانی ترسیم و به صراحت بیان کردند که امام حقیقی جامعه گاه ظاهر و گاه غایب است.

پیامبر اکرم ﷺ به عنوان نخستین مسؤول نصب و معرفی امامان، در جامه دعا می‌فرماید:

«اللهم وال من والی خلفائی و أئمة امتی بعدی... ولا تخل الأرض من قائم منهم بحجتک ظاهرا أو خافیا مغمورا لئلا یبطل دینک و حجتک و برهانک و بیناتک؛ خدایا، دوست‌داران جانشینان من و پیشوایان امتم را پس از من دوست‌بدار... و زمین را از برپا دارنده حجتت از میان ایشان، آشکار یا پنهان و پوشیده تهی مگذار تا دین و حجت و برهان و نشانه‌هایت تباه نشود (کمال‌الدین: ص ۲۶۲ ح ۸).

امام علی ﷺ با معرفتی پیامبرگونه و با ایمان به استجابت دعای او، با اطمینان کامل می‌فرماید:

«اعلموا أن الأرض لا تخلو من حجة الله، ولكن الله سيعمی خلقه عنها بظلمهم و جورهم و اسرافهم علی أنفسهم؛ بدانید که زمین از حجت خدا نهی نمی‌ماند، اما خداوند خلقتش را از دیدن او محروم می‌کند به دلیل ظلم و ستم و زیاده‌روی که بر خود روا داشتند (الغیبة: ص ۱۴۱ ح ۲). و در جایی دیگر خود دعای پیامبر را در قالبی مشابه تکرار می‌کند (نهج البلاغة: حکمت ۱۴۷)

و بر بالای منبر کوفه آشکارا می‌فرماید:

اللهم انه لا بد لك من حجج في أرضك بعد حجة علي خلقك يهدونهم إلى دينك و يعلمونهم علمك كي لا يتفرق أتباع أوليائك ظاهر غير مطاع أو مکتتم يترقب، إن غاب عن الناس شخصهم في حال هدتهم فلم يغب عنهم قدیم ميثوث علمهم، و آدابهم في قلوب المؤمنین مثبتة فهم بها عاملون؛ خدایا در زمین به حجت‌های تو بر مردم نیازی ضروری است تا یکی از پس دیگری آنان را به دین تو ره بنمایند و علم تو را به ایشان بیاموزند و تا پیروان اولیایت پراکنده نشوند، حجتی آشکار و غیر مطاع و یا پنهان و در انتظار؛ اگر در حال مصالحه، از دیده مردم غایب شوند، دانش کهن انتشار یافته‌شان از مردم پنهان نشود و ادب‌هایشان در دل‌های مؤمنان جایگیر است و به آن عاملند (الکافی: ج ۱ ص ۳۳۹ ح ۱۳).

امام سجّاد ﷺ نیز حجت الهی را لازمه وجود و بقای پرستش خدا از سوی انسان دانسته و آن را به دو گونه: «ظاهر مشهور»، یا «غائب مستور»، تقسیم کرده است (کمال‌الدین: ص ۲۰۷ ح ۲۲. و ر. ک: بصائر الدرجات: ص ۴۸۳).

اما این آگاهی‌های مقدماتی و عمومی، برای توضیح غیبتی طولانی، از پی حضوری دویست و پنجاه ساله، کافی نبود. از این رو امامان ﷺ به توصیف این غیبت خاص همت گماشتند، ویژگی‌های آن را برشمردند و نشانه‌هایی را ارائه دادند تا شناخت و باور آن را آسان‌تر کنند.



## ۲. بیان ویژگیهای روزگار غیبت

غیبت امام پدیده‌ای غریب و ناآشنا بود و آگاهی کامل از آن جز از طریق وقوع خارجی آن ممکن نبود. ارائه برخی ویژگیها و توضیح چگونگی آن، می‌توانست از غرابت آن بکاهد و آن را به امری نسبتاً آشنا تبدیل کند. امامان علیهم‌السلام چندین ویژگی از ویژگیهای دوران غیبت را در پیشدید شیعیان خود نهادند تا آن را انکار نکنند و با انطباق آنچه واقع می‌شود با آنچه پیشتر نسبت به آن آگاهی یافته بوده‌اند، آن را آسانتر باور کنند. معصومان علیهم‌السلام غیبت را امری الهی و از پیش تقدیر شده خواندند و آن را نه یک امر تصادفی و بی سر و ته بلکه دورانی با سرآغاز مشخص هرچند طولانی دانستند و با پیشگویی برخی رویدادهای نزدیک به هنگام شروع آن، معین و معلوم بودن آن را نشان دادند.

### ۲ - ۱. الهی و مقدر بودن غیبت

روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز امامان علیهم‌السلام، وقوع غیبت امام قائم علیه‌السلام را حتمی و آن را مستند به خدا می‌دانند. این احادیث، مسئله غیبت را که امری دیر باور و غیر عادی بوده است مسئله‌ای واقع شدنی و به تقدیر الهی دانسته و بدینسان این امر غریب را به صورت واقعه‌ای قابل انتظار و پیش بینی نشان دادند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم غیبت را نه یک امر تصادفی و اتفاقی، بلکه گوشه‌ای از تدبیر الهی برای نظام امامت و امت اسلامی خوانده که به اطلاع حضرتش رسانده‌اند. ایشان فرموده است:

لیغین القائم من ولدی بعهد معهود إلیه منی؛ قائم از میان فرزندانم، برپایه قراری از پیش نهاده شده نزد من غایب خواهد شد. (کمال‌الدین: ص ۲۸۷ ح ۵)

گفتنی است، تفاوت شگفت غیبت با روال عادی و معهود امامت، نیاز به تحلیل درست و عقلانی آن دارد و پذیرش استناد آن به حکمت الهی، در گرو فهم عمیق و درکی ژرف است، از این رو امام سجّاد علیه‌السلام در خطاب به یکی از اصحاب سرّش، ابو خالد کابلی، تحقق غیبت را در روزگاری می‌داند که دست‌کم عده‌ای از باورمندان امامت وجود دارند تا با عقل و فهم و معرفت خدا دادی خود، امام غائب را مانند امام ظاهر بدانند و نزد ایشان غیبت با شهود تفاوتی نکند (همان: ص ۳۱۹ ح ۲). در راستای بیان حتمی بودن غیبت و طراحی الهی و پیشین آن، امام باقر علیه‌السلام به آیه «ان أصبح ماؤکم غورا فمن یأتیه بماء معین (ملکه آیه ۳۰)»؛ اگر آب شما در [زمین] فرو رود چه کسی برایتان آب روان می‌آورد؟! اشاره کرده و غیبت امام عصر علیه‌السلام را تأویل تحقق نیافته اما حتمی الوقوع آن شمرد و فرموده است: «لابدّ أن یجئ تأویلها (کمال‌الدین: ص ۳۲۵ ح ۳)»؛ گریزی نیست که تأویلش خواهد آمد.

احادیث دیگری نیز بر این مطلب دلالت دارند که حتی اندازه و درازای غیبت نیز مانند اصل آن به مشیت و تقدیر الهی است و متأثر از عجله بندگان و یا پیشگویی و خواست آنان نیست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَجِّلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ، إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةَ يَنْتَهَى إِلَيْهَا، فَلَوْ قَدْ بَلَّغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا؛ خَدَاوَنَد بَه خَاطِر عَجَلِه بَنَدِگَان، عَجَلِه نَمِي كُنْد، اِتْهَائِي اَيْن اَمْر رَا غَايْتِي اَسْت كِه بَه اَن مِي رَسْد وَ چُون بَه اَن بَرَسَنْد، لِحْظَه اِي پَس وَ پِيش نَمِي شُود (الكافي: ج ۱ ص ۳۶۹ ح ۷).

و بر همین اساس، کسی جز خداوند متعال از پایان آن اطلاعی ندارد و کسانی که برای پایان غیبت تعیین وقت می کنند، مدعیانی دروغگو بیش نیستند. مدعیانی که خود را از امامان معصوم، عالم تر نشان می دهند، زیرا امام باقر علیه السلام به صراحت فرموده: «و لم يجعل الله له بعد ذلك وقتا عندنا» (الكافي: ج ۱ ص ۳۶۸ ح ۱) و خداوند پس از آن، وقتی را نزد ما معین نکرد و امام صادق علیه السلام هم با همین صراحت تأکید کرده است: «كذب الواقفون انا اهل بيت لا نوقت» (الكافي: ج ۱ ص ۳۶۸ ح ۳)، آنان که برای ظهور، وقتی را تعیین می کنند، دروغ می گویند، ما اهل بیت وقتی را معین نمی کنیم. در استمرار این آگاهی بخشی، امام رضا علیه السلام نیز غیبت امام زمان علیه السلام را از سوی خداوند دانسته و در ازای آن را نیز به تقدیر الهی خوانده و فرموده است:

يُغِيْبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ؛ خَدَاوَنَد، تَا زَمَانِي كِه بَخَوَاهِد، اُو رَا دَر پَرْدِه غِيْبْتِ خُود نِگَاه مِي دَارْد (كمال الدين: ص ۳۷۶ ح ۷).

گفتنی است همه روایاتی که از پیشوایان علیهم السلام درباره هنگامه ظهور رسیده است، این سخنان را تأیید می کند، چه در هیچ یک از آنها سال و روز مشخصی برای ظهور پیش بینی نشده و تنها نشانه هایی کلی ارائه داده اند.

## ۲-۲. تعیین سرآغاز غیبت

بنا به آنچه در ویژگی نخست بیان شد، الهی و مقدر بودن امر غیبت بدین معناست که در زمان مشخص و از پیش تعیین شده به وقوع می پیوندد. امامان علیهم السلام نیز با توجه به این نکته، به طور تقریبی بر اساس نسلهای متوالی و مبارک امامان، زمان تحقق آن را به دوستان خود اعلام کرده و نزدیک شدن به وقوع آن را خبر می دادند. نخستین امام شیعیان، علی علیه السلام، او را یازدهمین نسل از سلاله خود اعلام می دارد و بدینسان فاصله ای چند قرنی را میان خود و غیبت قائم بیان می دارد (همان: ص ۳۸۸ ح ۱؛ الكافي: ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۷). اندکی بعد، امام حسن علیه السلام، به هنگام توصیف حضرت مهدی علیه السلام او را نهمین فرزند برادرش حسین علیه السلام می خواند (الاحتجاج: ج ۲ ص ۶۷) و همین را امام حسین علیه السلام خود نیز بیان می کند (كمال الدين: ص ۴۱۲ ح ۱۲؛ عيون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۶۸ ح ۳۶).

اندکی بعد امام سجاد علیه السلام سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را در باره امام جعفر صادق علیه السلام فراز می آورد که فرمان می دهد او را صادق لقب دهند، چرا که در نسل پنجم از او، جعفری کذاب، پدیدار می شود که معاصر امام مهدی علیه السلام و در پی غصب جایگاه اوست. امام سجاد علیه السلام پس از نقل قول سخن پیامبر صلی الله علیه و آله قائم را دوازدهمین وصی پیامبر می خواند و می فرماید:

ثمّ تمتدّ [تشتدّ] الغيبة بوليّ الله عزوجلّ، الثانی عشر من اوصیاء رسول الله ﷺ والأئمة بعده؛ سپس غیبت ولیّ خدای عزوجلّ، دوازدهمین نفر از اوصیای پیامبر خدا ﷺ و امامان پس از او، ادامه [یا تشدید] می‌یابد (کمال الدین: ص ۳۱۹ ح ۲).

امام کاظم ﷺ نیز در بیانی رمزآلود، اما برای خواص شیعه مفهوم، اندکی جلوتر می‌آید و زمان را دقیق‌تر بیان می‌دارد و می‌فرماید:

إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في ادیانکم، لایزیکم عنها أحد، یا بنی، إنه لابد لصاحب هذا الأمر من غيبة؛ هنگامی که پنجمین نفر از فرزند هفتم ناپیدا می‌شود، خدا را، خدا را درباره دیتان تا کسی آن را از دستتان نرباید، ای فرزند عزیزم، صاحب این امر را غیبتی ناگزیر است (الکافی: ج ۱ ص ۳۳۶ ح ۲).

گفتنی است هر چند این بیان در زمان خود رمزآلود بوده است، اما پس از تحقق و شروع غیبت، به راحتی می‌توان فهمید که مقصود امام کاظم ﷺ از هفتم، وجود مبارک خود ایشان و مراد از پنجم، نسل پنجم از ایشان، است.

پس از امام کاظم ﷺ فرزند ایشان، امام رضا ﷺ یک نسل جلوتر می‌آید و در معرفی قائم می‌فرماید:

ذاك الرابع من ولدی، یغیبه الله فی ستره ما شاء؛ او، چهارمین نفر از نسل من است، خدا او را در پرده غیبتش تا هرگاه که بخواهد نگاه می‌دارد (کمال الدین: ص ۳۷۶ ح ۷).

و بدینسان امام جواد ﷺ و امام هادی ﷺ نیز هر یک به ترتیب، او را سومین و دومین نسل خود بر می‌شمردند (همان: ص ۳۷۷ ح ۱ و ۲، و ص ۳۸۱ ح ۵) و در آخرین حلقه، امام حسن عسکری ﷺ قائم را فرزند خود می‌خواند و به غیبتش اشاره می‌کند.

امام حسن عسکری ﷺ همچنین سال ۲۶۰ هجری را آغاز اختلاف پیروانش خوانده و چون در سخنی دیگر (کمال الدین: ص ۴۰۸ ح ۶؛ الکافی: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۲۲ و ۲۳)، اختلاف شیعه را درباره جانشین خود دانسته است (کمال الدین: ص ۴۰۹ ح ۸)، شیعیان با کنارهم نهادن این دو سخن، به آسانی می‌توانستند شروع غیبت را حدس بزنند.

## ۲ - ۱ / ۲. پیش‌گویی رویدادهای نزدیک به آغاز غیبت

اگر بتوان برای یک حادثه دور از انتظار نشانه‌هایی ارائه داد که بسیار نزدیک به آن روی می‌دهند، باور آن راحت‌تر صورت می‌گیرد و از بیم و هراس و حیرت به هنگام وقوع آن می‌کاهد. امامان ﷺ افزون بر ارائه نشانه‌های کلی و اجمالی، رویدادهایی جزئی و مشخص‌تری را برای سرآغاز غیبت ارائه داده‌اند که اکنون با نگاهی به آینده تاریخ، می‌توانیم نزدیکی بسیار زیاد آنها را به سرآغاز غیبت ببینیم و ادعا کنیم که پذیرش مسئله غیبت برای معاصران آن در صورت توجه کافی به این نشانه‌ها مشکل نبوده است.

یکی از دقیق‌ترین این نشانه‌ها، حدیث پیامبر اکرم ﷺ است که امام سجاد ﷺ آن را برای یکی از بزرگ‌ترین یاران خویش - ابو خالد کابلی - نقل کرده و او نیز برای دیگر یار بزرگ امام ﷺ ابو حمزه ثمالی بازگو کرده است. در طریق این روایت بزرگان دیگری مانند صفوان بن یحیی و حضرت عبد العظیم حسنی هم قرار دارند که بر اعتبار آن می‌افزایند. پیامبر اکرم ﷺ در این حدیث با اشاره به تولد جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب فرمان می‌دهد او را صادق بنامند تا از جعفری دیگر که از نسل پنجم همین جعفر و دروغگو است، متمایز شود. پیامبر اکرم در این میان به توصیف جعفر کذاب می‌پردازد و او را مفتی بر خدای عزوجل می‌خواند، کسی که ادعای ناشایسته‌ای می‌کند و قصد به تن کردن ردای [امامت] را بدون آن که سزاوارش باشد، می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ او را به صراحت مخالف با پدر [= امام علی النقی هادی ﷺ] نسل چهارم امام جعفر صادق ﷺ و حسود بر برادر [= امام حسن بن علی عسکری ﷺ] معرفی می‌کند و در پایان، نشانه اصلی را ارائه می‌دهد و می‌فرماید:

ذلک الذی یروم کشف ستر الله عند غیبة ولی الله عزوجل، او کسی است که هنگام غیبت ولی خدای عزوجل، در پی برداشتن پرده ستر الهی [از حجت خدا] است (کمال الدین: ص ۳۱۹ ح ۲/ الاحتجاج: ج ۲ ص ۱۵۲).

جالب توجه آن که امام سجاد ﷺ در دنباله این حدیث، در حالی که به شدت می‌گریه، نشانه‌ای دیگر را ارائه می‌دهد و می‌فرماید:

کأنی بجعفر الکذاب و قد حمل طاعیة زمانه علی تفتیش أمر ولی الله و المغیب فی حفظ الله، و التوکیل بحرم أیبه جهلاً منه بولادته و حرصاً منه علی قتله إن ظفر به، طمعا فی میراثه حتی يأخذ به غیر حقّه؛ گویی جعفر کذاب را می‌بینم که طاعت روزگارش را واداشته تا کار ولی خدا را که در پرده غیب خدا، محفوظ است جستجو و کاوش کند، و بر حرم پدرش، وکیل قرار می‌دهد، زیرا از ولادتش ناآگاه است و در پی کشتن او اگر به او دست یابد و بردن میراثش بدون آن که حقی داشته باشد (همان).

ابوخالد کابلی ناباورانه ناجوانمردی و نابکاری‌های جعفر را گوش می‌دهد و چون برای اطمینان یافتن، از وقوع حتمی آنها می‌پرسد، امام سجاد ﷺ بر وقوع آنها سوگند یاد می‌کند گفتنی است محدثان، ماجرای جعفر کذاب را به تفصیل گزارش داده و این گزارش‌ها تطابق وقایع اتفاق افتاده را با پیشگویی‌ها تأیید می‌کنند (ر. کد کمال الدین: ص ۴۳۱ و ۴۴۲ و ۴۷۹ و الهدایة الکبری: ص ۲۴۸).

## ۲ - ۳. به درازا کشیدن غیبت

از دیگر اقدامات علمی امامان برای کاستن از غرابت و جلوگیری از انحرافات اعتقادی و ناامیدی شیعیان، آگاهی بخشی نسبت به طول دوره زمانی غیبت است. ایشان افزون بر تعیین سرآغاز غیبت، چگونگی آن را نیز توضیح داده و فرمودند که غیبت امام به صورت محدود شروع می‌شود (ر. کد

عبارت‌های «له غیبتان» و «إن لصاحب هذا الأمر غیبتین» و... در الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۱ و الغیبة للطوسی، ص ۴۲۳، ح ۴۰۷ و ص ۱۶۳، ح ۱۲۳)، اما در آن حدّ نمی‌ماند و بر شدّت آن افزوده می‌شود و به درازا می‌کشد.

طولانی شدن غیبت در بسیاری از روایات امامان گوشزد و به آن تصریح شده است (ر. ک: کفایة الأثر: ص ۲۲۴؛ الغیبة: ص ۱۶۳ ح ۱۲۳؛ کمال الدین: ص ۳۲۶ ح ۵).

نکته جالب توجه در این میان تأکید ائمه علیهم‌السلام بر دو قسمتی بودن غیبت امام عصر علیه‌السلام است. بخش اول را غیبت صغرا و بخش دوم را غیبت کبرا خوانده‌اند و نکته اینجاست که غیبت نخست ۶۹ سال و به اندازه عمر طبیعی یک انسان بوده است و از این رو امامان برای رفع شبهه وفات امام عصر در پایان این مدت، چندین بار بر عدم وفات امام تا ظهور و خروج و اصلاح دنیا و آکندن آن از عدل و داد پس از فراگیری ظلم و جور، پای فشرده‌اند. می‌توان تشبیه امام عصر را به نوح علیه‌السلام نیز در این راستا دانست، چه عمر طولانی و چند هزار ساله نوح علیه‌السلام بسی بیشتر از دوره هفتاد ساله حضور امام زمان علیه‌السلام است و در نتیجه برای تحقق این شباهت، باید منتظر غیبتی بس طولانی و چندین برابر عمر معمول انسان‌ها باشیم.

امام عصر علیه‌السلام خود نیز در پایان دوره غیبت صغری، به غایب شدن خود از همه آدمیان حتی خواص شیعه و به درازا کشیدن این دوران تذکر داده و خطاب به آخرین نائب خاص خود، علی بن محمد سمری فرموده است:

فأنک میت ما بینک و بین سته ایام، فاجمع أمرک ولا توص إلی أحدٍ یقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغیبة الثانية فلا ظهور الا بعد إذن الله عزوجلّ وذلک بعد طول الامد و...؛ تو شش روز دیگر می‌میری، کارهایت را جمع کن و کسی را هم وصی و جانشین خود مکن که غیبت دوم روی داده و جز پس از اجازه خدای عزوجلّ، ظهوری نخواهد بود و آن هم پس از مدت زمانی دراز ... (کمال الدین: ص ۵۱۶ ح ۴۴).

گفتنی است تعبیر امامان از دوره غیبت با نام «فترت» و تشبیه آن به فترت پیامبران نیز همین معنا را دارد (الکافی: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۲۱).

### ۳. تبیین آسیب‌های روزگار غیبت

بخش مهمی از پیشگویی‌های ائمه علیهم‌السلام به هدف زمینه سازی برای رویارویی با پیشامدهای سخت روزگار غیبت است. ائمه علیهم‌السلام می‌دانستند که فتنه‌ها، آشوب‌ها و حوادث توانفرسای این روزگار، پیروان آنها را آزار می‌دهد و برخی را به حیرت و گمراهی فرو می‌برد و عده‌ای را نیز به انکار امام می‌کشد و تنها دسته‌ای از استوارگامان ولایت مدار را در گردونه باور به ولی عصر نگاه می‌دارد. آنها این وضعیت را بیان کردند؛ چه، آگاهی از سختی، از رنج آن می‌کاهد و آمادگی تحمل آن را افزایش می‌دهد.

### ۳ - ۱. حیرت و ضلالت

برای همگان معلوم بود که غیبت کوتاه ولی امر و پیشوای جامعه، مشکل حادی را پدید نمی‌آورد و به سادگی می‌توان آن را پذیرفت، اما معصومان علیهم‌السلام می‌دانستند که غیبتی به درازای عمر چندین نسل، از پس حضور دائمی و بدون انقطاع سلسله متصل امامت، با آسیب‌هایی همراه خواهد بود. آنان به یکی از مهمترین آسیب‌های این غیبت طولانی اشاره کردند یعنی شک و حیرت در اصل وجود امام و رفع نیاز انسان با امام از دیده‌ها نهان. ایشان با پیشگویی الهام گونه خود وقوع گمراهی‌ها و حتی ارتجاع و ارتداد برخی باورمندان امامت را تذکر دادند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نخستین کسی بود که گمراهی مردمان را در روزگار غیبت مهدی علیه‌السلام تذکر داد: تکنون له غیبة و حیرة حتی تضلّ الخلق عن ادیانهم؛ برای او چنان غیبتی [و برای مردم] حیرتی خواهد بود که مردم دینشان را گم کنند (الکافی: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۲۱).  
و با زبانی دیگر فرمود:

تکنون له غیبة و حیرة تضلّ فیها الأمم (اعلام‌الوری: ج ۲ ص ۲۲۶).

ایشان شک مردم را تا آنجا گسترده و ژرف دانست که در اصل تولّد و تکنون حضرت مهدی علیه‌السلام نیز شک می‌کنند. از این رو فرمود:

حتیّ یقول اکثر الناس: ما لله فی آل محمد حاجة و یشک آخرون فی ولادته؛ تا آنجا که بیشتر مردم می‌گویند: خداوند به خاندان محمد کاری ندارد، و بقیه مردم نیز در ولادتش تردید می‌کنند (کمال‌الدین: ص ۵۱ ح ۲).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر همین پایه، چنگ زدن به دین را در این روزگار فرمان داد و از امتش خواست که شک و تردید به خود راه ندهند تا شیطان منفذی برای رخنه به دل‌های ایشان و به در بردن از راه دین نیابد.

امام علی علیه‌السلام نیز اندیشناک این آسیب خطرناک بوده است. اصبع بن نباته، از اصحاب خاص امیر مؤمنان علیه‌السلام اندیشناکی حضرت را می‌بیند و می‌پرسد چرا سر به جیب تفکر فرو برده‌ای؟ امام علیه‌السلام پاسخ می‌دهد:

فکرت فی مولود یكون من ظهري، الحادی عشر من ولدی، هو المهدی یملاًها عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً، تکنون له حیرة و غیبة، یضلّ فیها اقوام و یهتدی فیها آخرون؛ در فرزندی از نسلم می‌اندیشم که یازدهمین نفر از فرزندان من است و مهدی نام دارد، [زمین] را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است، او را حیرت و غیبتی است که گروه‌هایی در آن سرگردان می‌شوند و گروه‌هایی دیگر راه می‌یابند (الکافی: ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۷).

امام علی علیه‌السلام سخن دیگر با اصبع بن نباته، سخن و پیشگویی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تأکید کرده و فرموده است:



أما ليغيبنَّ حتى يقول الجاهل: ما لله في آل محمد حاجة؛ هان كه او غايب خواهد ماند تا آنجا كه نادان مي‌گويد: خدا را با خاندان محمد كاري نيست (كمال الدين: ص ۳۰۲؛ الغيبة: ص ۱۴۰ ح ۱).

امام حسين عليه السلام با لحنی صریحتر، ارتداد برخی از مردم را متذکر شده و فرموده است: له غيبة يرتد فيها اقوام و يثبت فيها على الدين آخرون؛ او را غیبتی است كه گروه‌هایی در آن از دین باز می‌گردند و گروه‌هایی دیگر استوار می‌مانند (كمال الدين: ص ۳۱۷ ح ۳). همین تعبیر را امام كاظم عليه السلام آورده و این وضعیت را آزمون الهی نسبت به خلقش دانسته است. ایشان می‌فرماید:

لابد لصاحب هذا الأمر غيبة حتى يرجع عن هذا الأمر من كان يقول به، إنما هي محنة من الله عزوجل امتحن بها خلقه؛ صاحب این امر، غیبتی حتمی دارد تا آنجا كه معتقدان به این امر نیز از باور خود باز می‌گردند، آن آزمونی از جانب خدای عزوجل است تا خلقش را با آن بیازماید (الكافي: ج ۱ ص ۳۳۶ ح ۲).

ما اکنون تحقق این پیشگویی‌ها را با نگرستن به آن از پس قرن‌های متوالی مشاهده می‌کنیم. آخرین حلقه پیشگویی‌ها در باره ضلالت و حیرت، سخن پدر بزرگوار امام زمان، امام حسن عسکری عليه السلام است كه فرموده:

أما إن له غيبة يحار فيها الجاهلون و يهلك فيها المبطلون و يكذب فيها الوقتون؛ هان او را غیبتی است كه نادان‌ها در آن حیران و باطل‌اندیشان هلاک شوند و وقاتان [تعیین‌کنندگان زمان ظهور] دروغ بیابند (كفاية الأثر: ص ۲۹۲).

### ۳ - ۲. فتنه و یأس

توصیف دوران غیبت به دوران فتنه و نیز روزگار یأس، بخش دیگری از آماده‌سازی شیعه برای فهم آسیب‌های غیبت و گذار از این دوران سخت است.

امام باقر عليه السلام افزون بر وقوع شک و تردید، یأس پی‌جویان امام را نیز پیشگویی می‌کند و درست بر خلاف این دو دلی‌ها و ناامیدی فرمان به امیدواری می‌دهد و می‌فرماید:

و قال الناس: مات القائم أو هلك بأى وادٍ سلک وقال الطالب: أنى يكون ذلك وقد بليت عظامه، فعند ذلك فارجوه؛ و مردم بگویند: قائم مُرد یا هلاک شد و معلوم نشد به کجا رفت، و جستجوگر بگویند: این [ظهور] چگونه می‌شود، در حالی كه استخوان‌هایش پوسیده است پس در این زمان به ظهورش امیدوار باشید (الغيبة: ص ۱۵۴ ح ۱۲).

گفتنی است، امام صادق عليه السلام، امام كاظم عليه السلام و امام حسن عسکری عليه السلام نیز این حیرت را پیشگویی کرده‌اند (ر. ک: ح ۱۴، ۱۹ و ۲۳) و از درافتادن به وادی حیرت و هلاکت برحذر داشته‌اند. این هشدارهای به هنگام، بسیاری از باورمندان نظام امامت را در مواجهه با پدیده غیبت، هوشیار و در رویارویی با جریان‌های انحرافی و شکاکان آماده ساخت.

گفتنی است بر اساس تفسیر فتنه به فضای شبهه‌آلود، می‌توان تصویری این گونه از روزگار غیبت امام عصر علیه السلام در اختیار داشت که مردمان بسیاری از گزینش راه درست و انتخاب راهبر حقیقی باز می‌مانند.

کلینی علیه السلام روایاتی که آسیب یأس و فتنه را در این روزگار تذکر داده در کتاب کافی گزارش کرده است (*الكافی: ج ۱ ص ۳۶۹ باب التمحيص و الامتحان*).

### ۳ - ۳. بلا و محنت

امامان شیعه، این دوره را دوره محنت و آزمون سخت پیروان خویش خوانده و بدینسان آنان را برای تحمل زبانه‌های سهمگین بلا آماده کرده‌اند. بلایی که همچون غربال راستگویان پایدار را از مدعیان دروغگو جدا می‌کند و همان خلوصی را به استوارگامان بر باور هدایت و غیبت می‌بخشد که آتش به طلای ناب می‌دهد تا از ناخالصی‌های خود جدا شود.

امام حسین علیه السلام که خود اسوه تحمل و شکیبایی است چندین گونه از سختی‌های دوران غیبت امام عصر علیه السلام را بدینسان برشمرده است:

له غيبة يرتد فيها اقوام و يثبت فيها على الدين آخرون، فيؤذون و يقال لهم: «متى هذا الوعد ان كنتم صادقون؛ او غيبتى دارد كه گروه‌هایی در آن مرتد می‌شوند و برخی بر دینشان استوار می‌مانند، اینان اذیت می‌شوند و به آنان زخم زبان می‌زنند و می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده [ظهور] کی واقع می‌شود (عیون اخبار الرضا: ج ۱ ص ۶۸ ح ۳۶).

امام حسین علیه السلام در ادامه سخن، پیروان خود را به صبر و بردباری در برابر این سخنان نیش‌دار و زهرآلود دعوت کرده و با فراز آوردن پادشاهی کلان خداوند بر این شکیب خردمندان، به گونه‌ای لطیف تذکر می‌دهد که مقاومت در برابر هجوم تبلیغاتی دشمن کمتر از پایداری در برابر سلاح نظامی او نیست.

امام در دنباله می‌فرماید:

اما إن الصابر فی غیبتة علی الاذی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسيف بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله؛ به هوش باشید که در روزگار غیبتش، شکیبایی بر آزار و تکذیب و انکار، مانند جهاد با شمشیر در پیش روی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است.

این تشبیه زیبا در سخنان امام سجاد علیه السلام نیز دیده می‌شود و این امام همام افزون بر این، شیعیان باورمند امام عصر علیه السلام و منتظران ظهور را مخلصان حقیقی و شیعیان راستین و دعوتگران به دین خدا در پیدا و نهان خوانده است (*کمال الدین: ص ۳۱۹ ح ۲*).

امام صادق علیه السلام نیز آزارهای زبانی در روزگار غیبت را بدین گونه تذکر داده است:

اما والله لیغیبن عنکم مهدیکم حتی یقول الجاهل منکم: ما لله فی آل محمد حاجة، ثم یقبل کالشهاب الثاقب؛ هان، به خدا سوگند، مهدی شما غایب می‌ماند تا آنجا که



نادان‌های شما بگویند: خدا را با خاندان محمد، کاری نیست، در آن هنگام است که مانند شهاب فروزان پیش می‌آید (همان: ص ۳۴۱ ح ۲۲).

### ۳ - ۴. اختلاف و درگیری

اختلاف و درگیری، دیگر پیشامد روزگار غیبت است که ائمه علیهم‌السلام باران خود را نسبت به آن هوشیار کردند و آن را از رویدادهای پیش از ظهور حضرت علیه‌السلام و برچیدن آن را یکی از اهداف قیام حضرت قائم دانستند. امام حسن مجتبی علیه‌السلام از نخستین کسانی است که رویداد اختلاف و درگیری شیعیان را در روزگار غیبت پیش‌گویی کرد. و فرموده است:

لا یكون هذا الأمر الذی تنتظرون حتّی یرأ بعضکم من بعض و یلعن بعضکم بعضاً و یتفل بعضکم فی وجه بعض و حتّی یشهد بعضکم بالكفر علی بعض؛ این امری را که منتظرید، واقع نمی‌شود تا آنجا که برخی از شما از برخی دیگر بیزارى بجویند و همدیگر را لعنت کنند و به صورت هم، آب دهان بیندازند و یکدیگر را تکفیر کنند (الغیبة للطوسی: ص ۴۳۷ ح ۴۲۹).

این پیشگویی را امام صادق علیه‌السلام نیز با الفاظی مشابه فرموده است (الكافی: ج ۱ ص ۳۴۰ ح ۱۷). می‌توان این اختلاف‌ها را سر برآورده از هوی و هوس برخی مدعیان و جاه طلبان دانست که در نهایت به پدیدار شدن داعیه‌ها و پرچم‌های مختلف می‌شود. هر مدعی، دیگران را به خود می‌خواند و پرچم خودخواهی خویش را برافراشته می‌کند و با فراخواندن مردم به سوی خود، آنان را از دیگری باز می‌دارد و هواخواهان خود را به سوی نزاع و درگیری با طرفداران رقیب خود می‌برد. این کژروی و خلط مدعیان راستگو و دروغگو، در احادیث و پیشگویی معصومان علیهم‌السلام گوشزد شده (الكافی: ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۸ و ح ۱۱) است، و آنان راه‌کارهایی را برای تشخیص مدعیان صادق از کاذب در اختیار ما نهاده‌اند.

یکی از این راه‌ها، آزمودن مدعیان با پرسش‌هایی است که پاسخ آنها را جز امامان مرتبط با غیب و ملکوت هستی نمی‌دانند<sup>۱</sup>.

### ۳ - ۵. انکار امام

ناگوارترین آسیب روزگار غیبت، تاب نیاوردن در برابر شبهه‌ها، طعنه‌ها و یاس‌های حاصل از به درازا کشیدن غیبت و در نتیجه انکار امام غایب است. از این رو می‌توان تلاشهای معصومان را بیشتر در این باره دانست. معصومان علیهم‌السلام به موازات پافشاری بر وقوع غیبت، از انکار امام غائب برحذر داشتند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نخستین هشدارها را در این زمینه دادند:

۱. ر. ک: الكافی: ج ۱ ص ۳۴۰ ح ۲۰: إذا ادّعاها مدّع فاسألوه عن أشياء یحبیب فیها مثله و نیز ر. ک: الكافی: ج ۱ ص ۳۴۳، باب «ما یفصل به بین دعوی المحقّ و المبتل فی أمر الامامة».

من أنكر القائم من ولدي في زمان غيبته فمات، فقد مات ميته جاهلية؛ هر كس قائم از میان فرزندانم را در روزگار غیبتش انکار کند و با این انکار بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است (کمال الدین: ص ۴۱۲ ح ۱۲).

و امام صادق علیه السلام در خطابی صریحتر و عام که محمد بن مسلم آن را برای شیعیان نقل کرده، فرموده است:

إن بلغكم عن صاحب هذا الأمر غيبة فلا تنكروها؛ اگر خبری از غیبت صاحب این امر به شما رسید، آن را انکار نکنید (الكافی: ج ۱ ص ۳۳۸ ح ۱۰).

آری معصومان علیهم السلام انکار برخی باورمندان به امامت را پیش بینی کرده و در خطابی مستقیم آنها را از این خطر، بر حذر داشته‌اند.

امامان برای رویارویی با این آسیب خطرناکه امام عصر علیه السلام را به برخی پیامبران پیشین و صالحان و بزرگان تاریخ تشبیه نموده، زمینه انکار را زدوده و بستری هموار را برای پذیرش غیبت ایشان فراهم آوردند. ایشان غائب شدن دو پیامبر الهی، حضرت یوسف و حضرت خضر علیهم السلام را گوشزد کردند و از غیبت ذوالقرنین نیز سخن به میان آوردند (کمال الدین: ص ۳۸۴ و ۳۸۵ ح ۱) و با این یادآوری، استبعاد و انکار دیرباوران را برطرف ساختند؛ زیرا تفاوتی میان پیامبر و امام در این زمینه نیست و به ویژه غیبت خضر چون طولانی است، بسیاری از شبهات در باره غیبت ولی عصر را برطرف می‌کند.

## ب - اقدامات عملی

معصومان علیهم السلام تنها به کارهای علمی و پیشگویی و خبردهی بسنده نکردند، بلکه با انجام برخی اقدامات عملی، شیعیان را برای تحمل دوران غیبت امام علیهم السلام آماده ساختند. آنان دو گونه اقدام را به انجام رساندند. این دو اقدام از دو گونه نیاز شیعیان برخاسته بود: نیاز به رتق و فتق امور مالی جامعه شیعه که نمی‌خواست در درون دستگاه خلافت و حکومت غاصب و جور هضم شود و نیاز به فراگیری معالم دینی و دریافت پاسخ برای پرسش‌های متعدد اعتقادی، فقهی و اجتماعی و سیاسی.

### ۱. نصب و کیلان خاص

پایان حکومت اموی، توسعه اقتصادی جامعه اسلامی در اوایل قرن دوم هجری و روی کار آمدن حکومت عباسی، ارتباطات مالی امام و شیعه را گسترش داد و امامان علیهم السلام سازمان و کالت را برای تدبیر امور مالی شیعیان، پی‌نهادند و با تبیین مسائل خمس، زکات و دیگر انفاق‌های واجب و مستحب، و کیلانی را از سوی خود برای اخذ، ارسال و توزیع این وجوه مالی نصب کردند (ر. ک: پژوهشی پیرامون نهاد وکالت: ص ۵۳).

این وکیلان همه از افراد معتبر و مورد اعتماد مردم و گاه عالم بودند و بویژه در مناطق دوردست جامعه اسلامی، نیاز مردم را در حوزه ارتباطات مالی با امام و نیز اوقاف حل می‌کردند. این سازمان در روزگار امامت امام صادق علیه السلام، در دهه‌های میانی قرن دوم هجری شکل گرفت (ر. ک: تاریخ سیاسی غیبت امام: ج ۲ ص ۱۳۴) و به دلیل حبس طولانی و شدید امام کاظم علیه السلام به سرعت نضج گرفت و در روزگار امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام به دلیل محدودیت شدید ارتباط با امام، کارآیی خود را نشان داد و راه را برای غیبت صغری مدت امام، هموار کرد. امام زمان علیه السلام با استفاده از این نهاد سامان یافته، نائبان خاص خود را در روزگار غیبت نصب کرد و رابطه خود را با مردم از طریق ایشان سامان داد و پس از مدتی ارتباط خود را با این بزرگان نیز به تدریج کاهش داد و شیعیان را برای باور امام ناپیدا و پیروی از فرمان‌های غیر مستقیم پیشوای نهان، آماده ساخت.

گفتنی است در کنار سازمان و کالت، ما با افراد دیگری به نام ابواب ائمه علیهم السلام نیز روبرو هستیم، اینان خواص ائمه علیهم السلام و نزدیکترین کسان به ایشان بودند و گاه که وضعیت ارتباط مردم با امام علیه السلام به حداقل می‌رسید و حبس‌ها و فشارهای سیاسی، مانع حضور گسترده امام در جامعه می‌شد، باب‌ها، دریچه اتصال مردم با امامان می‌گشتند و این نکته، آمادگی عملی مردم را برای تحمل فقدان امام بالا می‌برد و سرانجام همین نهاد دوران غیبت صغری را با چهار نائب خاص حضرت ولی عصر علیه السلام به عنوان دوره گذار از حضور همیشگی به غیبت مطلق با موفقیت پشت سر نهاد (ر. ک: راز داران حریم اهل بیت علیهم السلام: ص ۵۳ تا ۶۰).

## ۲. نصب عام عالمان

نیاز دیگر شیعیان به امام، پاسخگویی به پرسش‌های فقهی، اعتقادی و هر آنچه به کار زندگی اخروی ایشان می‌آید، بود. ائمه علیهم السلام این نیاز را در طول دو قرن و نیم زندگی خود به نحو احسن برطرف ساختند و افزون بر راهنمایی پیروان و شاگردان خود به سوی آبشخور معرفت و کلام الهی، و تعلیم قواعد و روش‌های استفاده از قرآن، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را به روشنی بیان کردند و تا تطبیق آن بر ریزترین مسائل جاری زندگی پیش رفتند. آنان میراث علمی بزرگی را از خود بر جای نهادند و اصول علم را ترسیم کردند و راه تفریع و نتیجه‌گیری را نیز به مسلمانان آموختند. آنان با تعلیم راه و روش اجتهاد منطقی و درست به یاران بزرگ خویش، اندک اندک آنان را به جای خود نهادند و شیعیان را به تدریج به سوی آنان سوق دادند و بدینسان شیعه را برای قرن‌ها، دست کم در مسائل نه چندان حاد و دشوار شخصی و اجتماعی، خوداتکا نمودند. منابع عظیم علم به یادگار مانده از امامان، قدرت فراگرفته اجتهاد و مشروعیت کسب شده از ارجاعات ائمه علیهم السلام، عالمان عادل شیعه را به عنوان جانشینانی لایق در توضیح مسائل علمی و اقناع مراجعان، فراز آورد و وظیفه عملی شیعه را در روزگار غیبت معین کرد.

این جانشینی به صورتی تدریجی و بسیار نرم به فرجام رسید. سرچشمه‌های این جریان بزرگ تاریخی را می‌توان در سخنان امام علی علیه السلام یافت. ایشان بر بالای منبر کوفه چنین فرمود:

إن غاب عن الناس شخصهم... فلم یغب عنهم قدیم مثبت علمهم...؛ اگر خودشان حضور ندارند، دانش کهن انتشار یافته‌شان حاضر است (الكافی: ج ۱ ص ۳۳۹ ح ۱۳).

امام حسین علیه السلام نیز در خطبه آتشین خود در عرفه، عالمان را مسئول قیام دانسته و مجاری بسیاری از کارها را به دست آنها می‌داند (تحف العقول: ص ۲۳۸). امام باقر علیه السلام نیز به ابان بن تغلب، یار پدر، خود و فرزندش امام صادق علیه السلام فرمود:

اجلس فی مسجد المدینه وأفت الناس؛ در مسجد مدینه بنشین و فتوا بده (فهرست نجاشی: ص ۱۰ رقم ۷).

و می‌دانیم که تربیت محمد بن مسلم و زرارة که دو مرجع علمی عالمان معاصر خود بودند از دامان امام باقر علیه السلام شروع شد.

و امام صادق علیه السلام نیز به مسلم بن ابی حیه که هنگام وداعش، درخواست توشه‌ای معنوی می‌کند، می‌فرماید: نزد ابان بن تغلب برو که او از من بسیار حدیث شنیده است. همچنین امام صادق علیه السلام شاگردانی مانند هشام بن حکم و هشام بن سالم، حمزان و مؤمن طاق و دیگران را برای ارجاعات کلامی و عقایدی تربیت کرد و افراد را به اینان ارجاع می‌فرمود (ر. ک: الكافی: ج ۱ ص ۷۴ و ص ۱۷۱). و اینها در کنار تربیت راویان فقیه و عالمی مانند ابوبصیر و برید و جمیل بن دراج و ارجاع راویان و پرسشگران به کسانی مانند محمد بن مسلم و حارث بن مغیره بوده است (ر. ک: وسائل الشیعه: ج ۲۷ ص ۱۴۵ ح ۲۳ و ۲۴ و نیز ح ۲۵). به گونه‌ای که در کنار حلقه اصلی درس امام صادق علیه السلام، دهها حلقه در مدینه و صدها حلقه در کوفه و دیگر شهرها، مسئولیت پاسخگویی و حل مشکلات علمی و دینی مردم را به عهده داشتند (راجع: وسائل الشیعه: ج ۲۷ ص ۱۳۶، باب وجوب الرجوع فی القضاء والفتویٰ إلی رواة الحدیث).

این سیره در اواخر قرن دوم به گونه‌ای معمول و متعارف شد که از امام رضا علیه السلام درباره مصداقها و عالمان شایسته مراجعه، و نه اصل جواز آن، سؤال می‌شود (ر. ک: وسائل الشیعه: ج ۲۷ ص ۱۴۶ ح ۳۳ تا ۳۵ درباره یونس بن عبدالرحمان و ح ۲۷ درباره زکریا بن آدم).

در سال‌های نزدیک به وقوع غیبت و دوره ارتباط غیر حضوری و مکاتباتی شیعیان با «امام جواد و هادی علیه السلام» نیز، بسیاری سؤالها از و کیلان و عالمان پاسخ گرفته می‌شود و در این روزگار امام هادی علیه السلام

در پاسخ احمد بن حاتم بن ماهویه و برادرش، اخذ معالم دین را از کسانی توصیه می‌فرماید که عمری را در محبت اهل بیت علیهم السلام سپری کرده و در امر امامت استوار گام و با سابقه باشند (وسائل الشیعه: ج ۲۷ ص ۱۵۱).

در اینجا می‌توان سخن مشهور امام حسن عسکری علیه السلام در معرفی عام و نصب کلی همه عالمان عادل برای جواز تقلید و پیروی شیعیان از ایشان را نیز افزود:

واما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه، حافظا لدينه مخالفا على هواه، مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه؛ و اما مردم می‌توانند از هر کدام از فقیهان که خویشتندار، دین نگهدار، مخالف با هوای نفس و مطیع فرمان مولا بش بود، تقلید کنند (وسائل الشیعه: ج ۲۷ ص ۱۳۱ ح ۲۰).

پس از امام حسن عسکری علیه السلام، امام عصر علیه السلام خود نیز در روزگار غیبت صغرا به صراحت می‌فرماید:

واما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنهم حجّتی علیکم وأنا حجّة الله علیهم؛ واما در پیشامدهایی که روی می‌دهد، به راویان حدیث ما مراجعه کنید که آنان حجّت من بر شما و من حجّت خدا بر ایشان هستم (کمال الدین: ص ۴۸۵).

و افزون بر این به نائبان خاص و برخی عالمان اجازه می‌فرماید که واسطه پرسش‌ها و استفتائات مردم واقع شوند و امام علیه السلام خود نیز پاسخ‌ها را از طریق همین نائبان و عالمان ارسال می‌فرماید (ر. ک: کمال الدین: ص ۴۸۲ تا ۵۲۲ باب ۴۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## کتاب نامه

۱. الاحتجاج علی أهل اللجاج، أحمد بن علی الطبرسی (م ۶۲۰ ق)، تحقیق: إبراهيم البهادری و محمد هادی به، تهران: دار الأسوة، ۱۴۱۳ ق، اول.
۲. إعلام الوری بأعلام الهدی، الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق، اول.
۳. بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفار القمّی (ابن فروخ) (م ۲۹۰ ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ ق، اول.
۴. تاریخ سیاسی غیبت امام نوازدهم، جاسم حسین، ترجمه: محمد تقی آیت اللهی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷.
۵. راز داران حریم اهل بیت علیهم السلام، جواد سلیمانی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۸۶.
۶. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، محمد رضا جباری، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
۷. عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: السيد مهدي الحسيني اللاجوردی، تهران: منشورات جهان.
۸. الغیبة، محمد بن إبراهيم الكاتب النعمانی (م ۳۵۰ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفاری، تهران: مكتبة الصدوق.
۹. الغیبة، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: عباد الله الطهرانی و علی أحمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق، اول.
۱۰. فهرست نجاشی = فهرست اسماء مصنفی الشیعة، احمد بن علی النجاشی (م ۴۰۵ ق)، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. الکافی، محمد بن یعقوب الكلینی الرازی (م ۳۲۹ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفاری، بیروت: دار صعب و دار التعارف، ۱۴۰۱ ق، چهارم.
۱۲. کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الاثنی عشر، علی بن محمد الخزاز القمّی (ق ۴ ق)، تحقیق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمری، قم: بيدار، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق، اول.
۱۴. وسائل الشیعة، محمد بن الحسن الحرّ العاملی (م ۱۱۰۴ ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، اول.
۱۵. الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان الحصیبی (م ۳۳۴ ق)، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۰۶ ق.